

همبستگی با خیزش و انقلاب مردم برای عدالت و دموکراسی در منطقه

همبستگی با خیزش و انقلاب مردم برای عدالت و دموکراسی در منطقه

(۱) خیزش و انقلاب مسالمت آمیز مردم در تونس و مصر علیه دیکتاتوری های حاکم و برای نان و آزادی و سرایت آن به دیگر کشورهای منطقه، نشان گر گسترش گفتمان دموکراسی، حقوق بشر و عدالت اجتماعی و برجیده شدن نظام های دیکتاتوری در منطقه است.

(۲) این تحولات که در ادامه خیزش میلیونی مردم ایران در پی تقلب انتخاباتی، که به "جنبش سبز" شهرت یافت و سرکوب شد، پیش از همه نشانگر جهانی شدن ارزش های حقوق بشر و دموکراتیکی است که به یاری شبکه های اینترنتی و گسترش رسانه های ماهواره ای به ویژه نسل جوان را به برجیدن دولت های مستبد در منطقه برانگیخته است.

(۳) بسیاری از کشورهای غربی همواره خطر بنیاد گرایی اسلامی و تجربه حکومت های اسلامی ایران و افغانستان را بهانه نادیده گرفتن خواست های مردم و توجیه پشتیبانی خود از تداوم رژیم های دیکتاتوری در منطقه قرار داده اند. تحولات تونس و مصر اما نشان داد بجای تمکین به دولت های فاسد و دیکتاتور مورد حمایت غرب و یا همراهی با اسلام گرایی سیاسی راه سومی هم وجود دارد. انقلاب های مردمی در مصر و تونس نشان دادند آن جا که زنان، جنبش های کارگری، نیروهای دموکرات و باورمند به جدایی دین و دولت و طرفداران حاکمیت آزاد و مستقل مردم حضوری قدرتمند در صحنه می یابند، میتوانند ضمن چالش حکومت های مستبد، سدی در برابر مصادره این خیزش ها توسط گروه های اسلام گرا و یا دیگر نیروهای اقتدارگرا گردند.

(۴) تاکیدات دولت اسرائیل و جمهوری اسلامی ایران بر اسلامی خواندن تحولات تونس و مصر می تواند تردید در حمایت از این خیزش ها را در میان طرفداران دموکراسی و جدایی دین و دولت دامن زند. حال آن که هردو دولت بیشتر نگران پیامد این خیزش ها در کشورهای خود می باشند. دولت اسرائیل نگران آن است با برهم خوردن ثبات منطقه، از دست دادن رژیم های دوست خود و رشد دموکراسی در منطقه، فشار برای به عقب راندن گرایشات افراطی در کشور و برسمیت شناختن حقوق مردم فلسطین افزایش یابد. جمهوری اسلامی ایران نیز نگران آن است که

تحولات دمکراتیک در منطقه در افزایش اعتماد به نفس مردم ایران و اراده و میل شان به برچیدن استبداد دینی و نظام ولایت و فقیه موثر افتد. واکنش تند جمهوری اسلامی ایران علیه فراخوان به حضور مردم برای همبستگی با خیزش و انقلاب تونس و مصر در دوشنبه ۲۵ بهمن در خیابان های تهران گواه نگرانی واقعی رژیم از پیامد این خیزش ها و سرایت آن به ایران است. به ویژه آن که افزایش نارضایتی های اقتصادی و سیاسی در پی گسترش سرکوب و اعدام و سیاست های ویرانگر دولت احمدی نژاد، زمینه شکل گیری خیزش های نوین در کشور را افزایش داده است.

۵) جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران ضمن پشتیبانی از این خیزش ها در منطقه و در ایران توجه تمام مردم آزادیخواه را به تجربیات انقلاب سال ۱۳۵۷ ایران و فرجام دراماتیک آن جلب کرده و بر آن است بدون تغییرات ساختاری، برگزاری انتخابات آزاد، رفع تبعیض و تاکید بر حقوق بشر، جدایی دین از دولت و دست رد زدن به هر نوع اسلام گرایی، فرایند دمکراتیک می توانند عقیم مانده و به شکست انجامد.

قطعنامه در مورد بحران هسته ای

۱) شورای امنیت سازمان ملل متحد در خرداد ماه سال جاری چهارمین قطعنامه خود را در رابطه با بحران هسته ای ایران به تصویب رساند که در آن ضمن تاکید بر حق ایران به دستیابی به فن آوری صلح آمیز اتمی، جمهوری اسلامی را بدلیل بی اعتنائی به قطعنامه های پیشین شورای امنیت محکوم کرده و سپاه پاسداران و شرکتهای وابسته به آن را بمثابه نیروی هدایت کننده برنامه هسته ای، مورد تحریم های نظامی و اقتصادی قرار داده است. بدنبال تحریم های سازمان ملل، تحریم های مضاعفی نیز از سوی آمریکا، اتحادیه اروپا، ژاپن، کانادا و استرالیا در عرصه های مختلف اقتصادی از جمله در صنایع نفت و گاز ایران اعمال شده است. ماجراجویی جمهوری اسلامی ایران که حاضر به هیچ عقب نشینی از مواضع خود در مذاکرات هسته ای نیست، تنش های بین المللی و منطقه ای را در زمینه سیاست هسته ای ایران افزایش داده است.

2) تحریم های بین المللی و افزایش تنش های فوق در شرایطی شدت گرفته است که شکاف بین مردم و رژیم پس از سرکوب جنبش اعتراضی 22 خرداد عمیق تر شده و به انزوای سیاسی رژیم ابعاد وسیع تری بخشیده است. شعار های مردم در جنبش سبز علیه سیاست خارجی ماجراجویانه رژیم نشانگر گسترش مخالفت مردم با این سیاست هاست. در افکار عمومی جامعه مسئولیت این تحریم های فزاینده که بار عمده آن بر دوش مردم سنگینی می کند، متوجه باند خامنه ای - احمدی نژاد و مافیای حاکم بر کشور است که با اختصاص بخش بزرگی از درآمدهای حاصله از نفت به برنامه اتمی، حمایت مالی و نظامی از بنیادگرایان اسلامی در منطقه، انکار هلوکاست و تکرار شعار نابودی اسرائیل، ایران را پیش از پیش منزوی کرده و آنرا با خطرات جدی روبرو می سازد.

3) هدف سیاست هسته ای رژیم، تبدیل شدن به یک قدرت اتمی در منطقه است. تمام مانورهای جمهوری اسلامی در مذاکراتش با کشورهای 1 + 5 در این جهت قرار دارد. در داخل کشور نیز لازمه پیشبرد این سرپوش نهادن بر اختلافات میان خودی ها و خصوصا محافل اصلاح طلب در جهت پذیرش اوامر ولی فقیه و یا حتی التزام به حکم حکومتی است. این تاکتیک خامنه ای اگرچه در پاره ای از اصلاح طلبان تمایل به آشتی ملی علیه تهدید خارجی را برانگیخته است، لیکن با مقاومت موسوی و کروبی و غالب اصلاح طلبان زندانی روبرو گردیده است. با این وجود، عدم مرز بندی موسوی و کروبی با اساس سیاست اتمی رژیم، محکوم کردن کلیه تحریم های بین المللی و خصوصا پافشاری بر غنی سازی از سوی آنان (در شرایطی که این امر حتی از لحاظ اقتصادی هم برای ایران مقرون به صرفه نیست) عملا بخشی از جنبش سبز را در برابر رژیم خلع سلاح نموده و به اعتبار بین المللی این جنبش آسیب می رساند.

4) استراتژی آمریکا و غرب، جلوگیری از دست یابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته ای است. حمله نظامی به ایران یا دستیابی رژیم به سلاح هسته ای، آلترناتیو هائی هستند که نمی توانند جز به تخریب و کشتار، خانه خرابی مردم، تقویت استبداد و سرکوب نیرو های ترقی خواه و دمکرات کشور منجر شوند. برعکس وادار کردن رژیم به نوشیدن جام زهر و پذیرش توقف غنی سازی اورانیوم و عقب نشینی در بحران هسته ای به تحریم های بین المللی پایان داده و موجب تضعیف رژیم، تشدید تضاد های درونی آن، محدود شدن امکانات سرکوب و در نتیجه فراهم شدن شرایط گسترش جنبش دمکراتیک مردم می گردد. گرچه مبارزه مردم می تواند در تعیین این سیاست نقش تعیین کننده ای بیابد اما فشار جامعه بین المللی نیز در به عقب راندن جمهوری اسلامی موثر است. بعلاوه رژیم بدون کمک شرکت های خارجی و واردات تکنولوژی هسته

ای و تسلیحات مربوطه ، که درصد بالائی از بودجه کشور را تشکیل می دهد قادر به غنی سازی اروانیم و دست یابی به به سلاح هسته ای نیست .

5) از این رو ما از مبارزات مردم ایران علیه ماجراجوئی هسته ای جمهوری اسلامی و افزایش فشار های بین المللی در جهت شفاف سازی سیاست هسته ای و توقف غنی سازی و حل بحران هسته ای ایران حمایت می کنیم. از جمله این فشار ها تحریم های نظامی، تحریم تکنولوژی هسته ای و تحریم سیاسی مقامات جمهوری اسلامی ایران است. ما خواهان آنیم که در مذاکرات هسته ای حقوق بشر قربانی نشود.

6) چهارمین گردهمائی سراسری جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران ضمن رد هرگونه راه حل نظامی و تحریم های گسترده اقتصادی که زندگی روزمره مردم را فلج می سازد، و ضمن تاکید بر خواست توقف غنی سازی یادآور میشود که ما در راه تحقق خاورمیانه ای عاری از سلاح هسته ای مبارزه می کنیم. علاوه بر آن گردهمایی چهارم بر سیاست جمهوری خواهان دمکرات و لائیک در زمینه استفاده از انرژی هسته ای که در گردهمایی دوم تصویب شد تاکید می ورزد.

منشور جدائی دین و دولت در ایران

... و از آنجا که آماج آزادیخواهی مردم ایران برچیدن بساط ولایت فقیه و استبداد مذهبی در هم اشکال آن در ایران است؛

پیشنهاد میشود که ج.ج.د.ل.ا. پیشقدم شوند و با دعوت از هم نیروهای جمهوریخواه، که جدائی دین و دولت را شرط برقراری و پایداری دموکراسی و کثرت گرائی در ایران آینده میدانند، از راه همفکری با یکدیگر و گشودن باب بحث و گفت و شنود در این باره، دست به تدوین منشور جدائی دین و دولت در ایران بزنند.

منشور جدائی دین و دولت در ایران

از آنجا که تنش دیرپا میان قدرت سیاسی و دستگاه دینی در ایران از جمله معضلات عمده اجتماعی و سیاسی آیند کشور به شمار می رود؛

از آنجا که سیطره بیش از سه دهه استبداد دینی، ابعاد تازه و بیسابقه ای بر این تنش تاریخی افزوده است؛

از آنجا که گفتار ایده ئو لوژیک مسلط و انحصارطلب، بر تبعیض مذهبی و جنسی استوار است و می کوشد به هر وسیله ای این تبعیض را در همه عرصه های زندگی اجتماعی نهادینه کند؛

از آنجا که تجربه مصیبت بار حکومت مذهبی پس از انقلاب و بن بست های آشکار آن در ادار کشور، ناسازگاری ذاتی آنرا با اید جمهوری و دموکراسی بیش از پیش عیان ساخته است؛

و نیز با توجه به تحولات فکری که شکست این تجربه در میان اندیشمندان دینی به وجود آورده است و زمینه مناظره ای تاریخی میان دین باوران و نیروهای لائیک و سکولار را فراهم آورده است؛

و از آنجا که آماج آزادیخواهی مردم ایران برچیدن بساط ولایت فقیه و استبداد مذهبی در همه اشکال آن در ایران است؛

پیشنهاد می شود که ج.ج.د.ل.ا. پیشقدم شود و با دعوت از همه نیروهای جمهوریخواه، که جدائی دین و دولت را شرط برقراری و پایداری دموکراسی و کثرت گرایی در ایران آینده می دانند، از راه همفکری با یکدیگر و گشودن باب بحث و گفت و شنود در این باره، دست به تدوین منشور جدائی دین و دولت در ایران بزنند.

این منشور از یکسو جایگاه تأملات و هم اندیشی نیروها و صاحب نظران لائیک و سکولار است در بار آمیزش دین و قدرت سیاسی در ایران در عرصه نظری و ضرورت واگشائی این پرسش در پی چیرگی اصحاب دین بر ایران و از سوی دیگر پیمانی است میان آزادیخواهان برای پی ریختن فردائی دیگر، فردای همزیستی دگرانیشان و دگر باوران باهم.

شهرام قنبری

بیانیه گردهمایی سراسری سوم جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لا ئیک ایران

بیانیه سیاسی

20-21 سپتامبر 2008 30-31 شهریور 1387

سومین گردهمایی سراسری جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران که در روزهای 20 و 21 سپتامبر 2008 (30 و 31 شهریور 1387) در شهر بروکسل برگزار گردید در راستا و تداوم سند سیاسی مصوب نخستین گردهمایی سراسری پاریس، 3 تا 5 سپتامبر 2004 برابر 13 تا 15 شهریور 1383، و قطعنامه سیاسی مصوب دومین گردهمایی سراسری در هانور، 24 تا 26 فوریه 2006 برابر 5 تا 7 اسفند 1385، اعلام میدارد :

1- رژیم جمهوری اسلامی ایران اصلاح ناپذیر است. نظام خودکامه دینی حاکم بر ایران در ذات خود و از بنیاد تمامیت خواه، انحصارگو و تبعیض گر است. اختناق و سرکوب، زبان طبیعی و ابزار اصلی دوام حیات او در صحنه سیاسی است.

هرگونه تحول بنیادین به سوی آزادی و عدالت در کشور ما در گرو برچیده شدن تمامیت نظام جمهوری اسلامی است. اساس و جوهر این تحول، گذار به دموکراسی و نیروی اصلی آن جنبش های مقاومت مردم و نافرمانی مدنی است

رژیم سیاسی مطلوب ما جمهوری است. ما در راه برقراری آن، که به باور ما مناسب ترین نظام برای تحقق دموکراسی است، تلاش و مبارزه میکنیم. نظامی برآمده از رأی آزاد و همگانی شهروندان و متجلی در مجلس منتخب مردم. ما خواهان جدائی دین و مسلک (ایده ئولوژی) از دولت و قدرت سیاسی، برقراری عدالت اجتماعی و آزادیهای بنیادین، رعایت حقوق بشر و پاسداری از استقلال و یکپارچگی کشور هستیم.

نوع نظام آینده و قانون اساسی آنرا مجلس موسسان منتخب همه مردم تعیین کرده، در شرایط آزادی کامل به همه پرسى خواهد گذاشت

2- در پی دلسردی و یاس مردم از عملکرد هشت ساله اصلاح طلبان و به مدد بسیج پادگانی بدنه نظامی رژیم و ترفندهای شورای نگهبان در رأی گیری و رأی سازی انتخابات دوره نهم، احمدی نژاد به مقام ریاست جمهوری اسلامی دست یافت. اصلاح طلبان که پیش از آن بر متن یک جنبش فراگیر اجتماعی علیه اختناق و انحصارطلبی به قدرت رسیده بودند، نتوانستند به نیازها و انتظارات مردم و وعده های خود جامه عمل بپوشند. همه جا در برابر احکام ولی فقیه و تجاوز به آزادیها و حقوق اساسی مردم واپس نشستند و در لحظات حساس مصالح نظام را به منافع ملّت ترجیح دادند.

3- دولت و مجلس اسلامی جدید با حضور چشمگیر و بیسابقه عناصر نظامی و امنیتی، نمودار دیگری از تحولی تازه در رژیم ولایت فقیه و وزن و نقش فزاینده نظامیان در عرصه سیاست و تصمیم گیریهای کلان آینده است. دولت نهم با چنین ترکیبی از آغاز زمامداری، دشمنی خود را با دست آوردها و نمادهای جامعه مدنی آشکار کرد و به برچیدن و سرکوبی آنها پرداخت؛ خشونت و ارباب و اتهام و زندان را به حربه اصلی خویش برای فرو نشاندن خواستهای صنفی، فرهنگی و اجتماعی کارگران، آموزگاران و حقوق بگیران، زنان، جوانان، دانشجویان، اهل قلم و کوشندگان پیشبرد آزادی و حقوق بشر بدل کرد و با تحمیل قهرآمیز ظواهر شرعی به هنجارها و عرصه های زندگی اجتماعی مردم، بیهوده تلاش کرده و می کند تا شکست ایدئولوژیک نزدیک به سی سال حکومت یکه تاز مذهبی را که به عیان در چهره نسل برآمده از انقلاب، در مقاومت زنان و جوانان و در جوشش های فرهنگی می بیند بپوشاند و جبران کند.

4- آزادی، وحشت بزرگ نسل تازه دینمداران به قدرت رسیده است. با وجود خشونت و قهر گسترده و فزاینده کارگزاران دولت کنونی در برابر جنبشهای شهروندی، شاهد رشد و بلوغ مقاومت مدنی هستیم.

زنان که مظهر تبعیض جنسی در عمق اندیشه و ذهنیت تاریک اندیشان مذهبی هستند و در همه عرصه های زندگی اجتماعی، خانوادگی و خصوصی از رفتارها، سنت ها و قوانین ننگین و تبعیض آمیز در رنجند، عمق فاجعه استبداد اسلامی را بر ملا میکنند. آنان در این سالها با خلاقیت تحسین انگیزی در برابر فشارها و تبعیض های روزافزون حکومت مذهبی مقاومت کرده اند. کارزار "مقاومت مدنی" از جمله نمونه های بارز این کوشش جمعی و مشترک است که با تشخیص هوشیارانه نیازها و ضرورت های کنونی و ابداع روشهای نو در بسیج و سازماندهی ظرفیت ها توانست به جنبشی فراگیر بدل شود.

جنبش دانشجویی با وجود فراز و نشیب های درونی گاه دشوار، همواره در این سالها سنگر مقاومتی بوده است در برابر استبداد دینی و سلطه جوئی

انحصارطلبان. گرچه خصومت حکومت اسلامی با دانشگاه و دانشگاهیان پیشینه ای به قدمت جمهوری اسلامی دارد، اما سرکوب و فشار و آزار مداوم در این دوره نسبت به دانشجویان و استادان ابعادی تازه یافته است. از ویژگی های جنبش دانشجویی در این دوره شکلگیری هویت های مستقل و اعلام علنی گرایشهای سیاسی نوین پاره ای از تشکلهای دانشجویی است؛ دریچه های تازه ای که میتواند باب گفت و شنوهای سازنده ای در میان نسل جوان و آگاه امروز ایران بگشاید.

دولت احمدی نژاد که با شعار فریبنده عدالت خواهی به میدان رقابتهای انتخاباتی آمده بود، سخت ترین برخوردها و رفتارها را نسبت به کارگران و در خواستهای برحق آنان در پیش گرفت. کارگران که زیر بار تورم و گرانی روزافزون به جان آمده اند، خواهان رفع ناامنی شغلی، پرداخت به موقع حقوق و دستمزد خویش، تشکیل سندیکاهای مستقل و تغییر قوانین ناعادلانه کار هستند.

مبارزه برحق اقوام تحت ستم ایرانی برای رفع تبعیض ها و نابرابری ها و در راه احراز حقوق دموکراتیک، آزادی های فرهنگی و توزیع عادلانه ثروت های ملی همه جا با یورش بیرحمانه نظامیان و ماموران امنیتی رژیم روبرو بوده است. ایران سرزمین تاریخی و مشترک اقوام گوناگون است. همه ایرانیان باید بتوانند از آزادی کامل در راه پاسداری و شکوفائی فرهنگ و زبان مادری خود بهره مند باشند و از حق تصمیم گیری و مشارکت در اداره امور محلی و منطقه ای برخوردار گردند. گرچه سیاست نظامیگری و سرکوب ها نتوانسته از تداوم این مبارزات جلوگیری کند ولی زمینه ای برای رشد گرایشهای افراطی قومی پدید آورده است. تمایلات افراطی که از سوی کارگزاران برخی دولت های همجوار و پاره ای قدرت های جهانی نیز به آنها دامن زده میشود، مبارزه متحد مردم برای دموکراسی و آزادی را به بیراهه میکشاند و میتواند در آینده یکپارچگی کشور را به مخاطره اندازد. به باور ما حفظ یکپارچگی ایران در نظامی دموکراتیک در گرو رفع ستم قومی است.

جمهوری اسلامی هیچگاه برآستی حضور و وجود ادیان و مذاهب دیگر را تاب نیاورده است. حتی اهل کتاب و سُنّیان و فرقه های درون اسلام و اهل تصوف نیز از بدرفتاری ها و خشونت های دستگاه دینی حاکم در امان نبوده اند. دشمنی دیرین روحانیت شیعه و مسلمانان متعصب با بهائیان بار دیگر زندگی و جان شماری از آنان را به مخاطره انداخته است.

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک خود را یار و همراه جنبش های مقاومت و اعتراض مدنی و برابری خواهی در درون کشور میداند.

5- اقتصاد نابسامان ایران بیش از پیش وابسته به درآمد نفت و دچار تورمی بیسابقه است. شمار مردمی که به طور روزمره گرفتار نا امنی شغلی، بیکاری و فقر هستند فزونی گرفته و شکاف میان فقر و ثروت ژرفتر از گذشته شده است. دولت نهم، با وجود درآمد سرشار و نامنتظره نفت، با پیش گرفتن سیاست های اقتصادی فاجعه بار، ظرفیت ها و ساختارهای تولیدی کشور را به محاق تعطیل و ویرانی کشانده است. با برجیدن سازمانها و ارگانهای نظارت بر اقتصاد، برداشت های بی حساب از ذخایر ارزی و تزریق آن به اقتصاد کشور به تورم و گرانی و واردات سیل آسای کالاهای مصرفی دامن زده و بازار دلالی و رباخواری را بیش از گذشته رونق بخشیده است.

شاهرگ های حیاتی و پرسود اقتصادی و منابع طبیعی کشور همچنان در دست شبکه های خویشاوندی سرکردگان حاکمیت، کارگزاران اطلاعاتی و سرداران سپاه پاسداران و بنیاد مستضعفان و موسسات پوششی و اقتصادی وابسته به آنان مانده است : سفره گشاده ای میان حلقه محارم و پنهان از چشم مردم.

6- جمهوری اسلامی در بیرون از مرزهای ایران تشنج آفرین، مداخله گر و جنگ افروز است. تلاش مخفیانه رژیم برای دستیابی به سلاح هسته ای و اصرار وی به غنی سازی اورانیوم، بحران وخیمی در روابط بین-المللی ایران پدید آورده و افزون بر گسترش تحریم های اقتصادی، کشور را به لبه پرتگاه یک تهاجم نظامی کشانده است که پیامدهای آن میتواند برای مردم ایران فاجعه بار باشد. دست یافتن چنین نظامی به سلاح هسته ای مخاطرات عظیم و هولناک در پی خواهد داشت و از جمله به مسابقه تسلیح اتمی در منطقه می انجامد. گسترش سلاحهای هسته ای تهدیدی دائمی برای صلح جهان خواهد بود. ما برای تحکیم صلح و جهانی عاری از نظامیگری و به ویژه عاری از سلاحهای هسته ای مبارزه میکنیم. از همین رو از پیمان منع گسترش سلاحهای هسته ای و لزوم همکاری کامل ایران با آژانس بین المللی انرژی اتمی حمایت میکنیم و افزون بر آن خواهان خلع سلاح هسته ای کشورهای خاورمیانه هستیم. رژیم اسلامی از آغاز افشای فعالیت های پنهان اتمی و کشف اسناد گوناگون آن، افکار عمومی داخلی و جهانی را بر سر دو راهی سوخت هسته ای یا سلاح هسته ای به بازی گرفته است. تولید انرژی هسته ای در کشوری چون ایران که دارای ذخایر عظیم و غنی انرژی فسیلی و صاحب اقلیمی مساعد از بابت انرژی های جایگزین و باز تولیدشونده است به هیچ روی ضرورتی ندارد. ما خواستار توقف غنی سازی اورانیوم در ایران که از انگیزه های اصلی بحران کنونی است میباشیم و نیز با هرگونه تهاجم نظامی خارجی به کشور خود مخالف هستیم. با تحریم های گسترده اقتصادی که آثار زیانبار آن به زندگی و معیشت مردم لطمه میزند موافق نیستیم و فقط از آندسته از تحریم های تسلیحاتی و دیپلماتیک پشتیبانی میکنیم که از تصویب سازمان ملل بگذرند و

سیاست های نظامیگرانه رژیم را هدف قرار دهند و از دستیابی آن به سلاح هسته ای جلوگیری کنند، مانند: فروش ابزار و تجهیزات نظامی و انتقال فن آوری هسته ای، مسدود کردن حساب های سران رژیم در خارج. ما همچنین خواهان افزایش فشار سیاسی بر رژیم از جانب دولت ها به ویژه در زمینه رعایت همه جانبه حقوق بشر در ایران و تعقیب قضای سران نظام و آمران و عاملان کشتار و جنایت در جمهوری اسلامی از جانب مجامع بین المللی صالح هستیم.

7- رژیم ولایت فقیه در ماه های آینده تدارک دور دیگری از بسیج توده ای و رأی سازی برای مشروعیت بخشیدن به خود در پیش دارد. هیچ نشانه تغییری در "نظام انتخاباتی" ویژه جمهوری اسلامی با شورای نگهبان و بدنه نظامی گوش به فرمانش به چشم نمیخورد.

8- خاورمیانه با جنگ های خانگی و حضور اشغالگران نظامی از کانون های بحران و تنش جهان است. جمهوری اسلامی با یاری رساندن به تارک اندیش ترین و افراطی ترین گروه های اسلامی، با صدور اسلام سیاسی و یهودستیزی، از موانع صلح و از حامیان ترور و خشونت در منطقه میباشد. حل عادلانه مساله فلسطین ضامن صلح پایدار در خاورمیانه است. رعایت و اجرای قطعنامه ها و مصوبات سازمان ملل متحد و شورای امنیت در این زمینه گامی ضروری برای گشودن چشم انداز صلح است.

9- جهان فردا از آغاز دوران دیگری با کانون های تصمیم گیری تازه و از برآمدن قدرتهای جدیدی خبر میدهد که آرایش کنونی ائتلافها و کشاکش های اقتصادی و سیاسی را بهم خواهد ریخت. اما جهانی که اکنون در آن زندگی میکنیم با بحران های گوناگونی دست به گریبان است. گرسنگی، این بزرگترین و خاموشترین سلاح کشتار جمعی بدل به سرنوشت محتوم بخشی از ساکنان زمین شده است. گرسنگی نه تقدیر که محصول نظم موجود جهان است، نظمی که بر بیعدالتی، خشونت ساختاری و ویرانگری محیط زیست استوار است. ما خواستار جهانی عاری از فقر، خشونت و جنگ، بیعدالتی و تخریب و آلودگی محیط زیست هستیم.

10- کارنامه جمهوری اسلامی ایران در دولت احمدی نژاد را میتوان در سه محور اصلی خلاصه کرد: تشدید بحران در روابط بین المللی و انزوای ایران در صحنه جهانی، افزایش فقر و فشار اقتصادی بر مردم و شدت گرفتن سرکوب سیاسی و اجتماعی.

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک برآنست که برای مقابله با سیاست های جمهوری اسلامی در هر سه زمینه و ایستادگی در برابر سیاست های جنگ طلبانه

دولت بوش و نومحافظه کاران در آمریکا، که گاه نقشه تجزیه ایران را در سر میپرورند، نیازمند سازماندهی کارزاری گسترده در دفاع از جنبش های اجتماعی و آزادی های سیاسی و مدنی در کشور، مبارزه برای تأمین عدالت اجتماعی و علیه سیاست های جنگ افروزانه از هر دو سو در راستای صلح و جلب حمایت بین المللی در دفاع از حقوق بشر در ایران هستیم. برپائی چنین کارزاری در گرو همیاری هر چه گسترده تر کلیه نیروهای طرفدار صلح، دموکراسی و عدالت اجتماعی و همبستگی عمیق تر جنبش های اعتراضی و مطالباتی مبارزان داخل و خارج کشور با یکدیگر است. به باور ما خواست گذار به دموکراسی در ایران نه با امید بستن به تحول نظام از درون و نه با چشم داشتن به حمله نظامی از بیرون، بلکه از راه این رویکرد سوم است که تحقق میابد. ما برای هموار کردن این راه میکوشیم.

قطعنامه دومین گردهمایی سراسری جمهوریخواهان دمکرات ولایت ایران درباره بحران هسته ای

قطعنامه دومین گردهمایی سراسری جمهوریخواهان دمکرات ولایت ایران درباره بحران هسته ای

پس از تشکیل کابینه نظامی امنیتی احمدی نژاد، سیاستهای ماجراجویانه و بحرانزای رژیم جمهوری اسلامی در عرصه بین المللی و تشدید فشار و اختناق سیاسی و فرهنگی در زمینه داخلی، وضعیت بس خطیر و نگران کننده ای را برای آینده ایران پدید آورده است.

مساله انرژی هسته ای و غنی سازی اورانیوم، که در دوره خاتمی نیز در کانون بحران در روابط بین المللی رژیم جمهوری اسلامی قرار داشت، در نتیجه سیاست های دولت جدید ابعاد تازه ای پیدا کرد.

از سرگیری غنی سازی اورانیوم، تلاش پنهانی برای دستیابی به سلاح اتمی، توأم با سیاست تنش زای جمهوری اسلامی، ایران را به تقابل خطرناکی با جامعه بین المللی کشانده است که پیامدهای آن میتواند برای مردم ایران فاجعه بار باشد.

ما جمهوریخواهان دمکرات و لایت، سیاست هسته ای بحرانزای رژیم جمهوری اسلامی را محکوم

۱- گسترش سلاحهای هسته ای صلح جهان را به مخاطره می افکند. ما برای تحکیم صلح و جهانی عاری از نظامی گری و بویژه عاری از سلاحهای هسته ای مبارزه می کنیم. در این راستا ما از پیوستن به پیمان منع گسترش سلاحهای هسته ای و همکاری کامل با آژانس بین المللی انرژی اتمی وابسته به سازمان ملل حمایت می کنیم. و افزون بر آن خواهان خلع سلاح هسته ای کشورهای خاورمیانه میباشیم.

۲- تولید انرژی هسته ای برای ایران که به لحاظ انرژی فسیلی و انرژی باز تولید شونده در طبیعت غنی میباشد، به هیچ وجه ضروری نیست.

سیاست های غیرشفاف و تلاش پنهانی رژیم جمهوری اسلامی برای دستیابی به سلاح اتمی ایران را به تقابل با جامعه جهانی کشانده و بحران خطرناکی را بوجود آورده است. غنی سازی اورانیوم که از علل اصلی این بحران میباشد، باید متوقف شود.

۳- تولید و استفاده از انرژی هسته ای صرف نظر از هزینه های عظیم و به صرفه نبودن آن از نظر اقتصادی برای مردم ایران، لطمات جبران ناپذیری برای محیط زیست بدنبال دارد. از آنجائیکه رژیم جمهوری اسلامی ایران در چرخه غنی سازی اورانیوم قادر به حفظ سلامت محیط زیست و جان مردم در برابر خطرات ناشی و از آن جمله تشعشعات رادیواکتیو، نمیباشد. ورود به این چرخه، زندگی مردم و نسلهای آینده را به خطر می اندازد.

۴- ما مخالف دخالت و حمله نظامی احتمالی به ایران حتی در صورت تایید سازمان ملل و سیاست بدیل سازی قدرت های بزرگ میباشیم و حق مردم ایران میدانیم که سرنوشت خود را خود تعیین نماید.

قطعنامه دومین گردهمایی سراسری جمهوریخواهان دمکرات ولایت ایران

قطعنامه دومین گردهمایی سراسری جمهوریخواهان دمکرات ولایت ایران

(هائوفراسفند ماه ۱۳۸۴)

درباره سرکوب و دستگیری کارگران و کارکنان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

ما شرکت کنندگان در دومین گردهمایی جمهوریخواهان دمکرات و لاییک ایران ضمن محکوم کردن سرکوب و دستگیری کارگران و کارکنان شرکت واحد اتوبوس رانی و تجاوز نیروهای انتظامی و امنیتی حکومت ضد مردمی جمهوری اسلامی به حریم زندگی و خانواده کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی و ضرب و شتم و آزار زنان و کودکان بی گناه آنان خواهان حقوق مسلم سندیکایی و آزادیهای کارگری زیر میباشیم:

۱- حق تشکیل سندیکاهای مستقل کارگری و آزادی فعالیت آنها

۲- رفع هر گونه ممانعت از کارگران در استفاده از حقوق مسلم خود و پذیرش قراردادهای دسته جمعی

۳- آزادی بی قید و شرط فعالان سندیکای کارگران و کارکنان شرکت واحد اتوبوسرانی از جمله دبیر سندیکا آقای منصور اسانلو و بازگرداندن همه کارگران آزاد شده به کار و تامین خسارت ها و حقوق از دست رفته آنان.